

<sup>1</sup>And it came to pass, that when Jesus had finished these sayings, he departed from Galilee, and came into the coasts of Judaea beyond Jordan; <sup>2</sup>And great multitudes followed him; and he healed them there. <sup>3</sup>The Pharisees also came unto him, tempting him, and saying unto him, Is it lawful for a man to put away his wife for every cause? <sup>4</sup>And he answered and said unto them, Have ye not read, that he which made them at the beginning made them male and female, <sup>5</sup>And said, For this cause shall a man leave father and mother, and shall cleave to his wife: and they twain shall be one flesh? <sup>6</sup>Wherefore they are no more twain, but one flesh. What therefore God hath joined together, let not man put asunder. <sup>7</sup>They say unto him, Why did Moses then command to give a writing of divorcement, and to put her away? <sup>8</sup>He saith unto them, Moses because of the hardness of your hearts suffered you to put away your wives: but from the beginning it was not so. <sup>9</sup>And I say unto you, Whosoever shall put away his wife, except it be for fornication, and shall marry another, committeth adultery: and whoso marrieth her which is put away doth commit adultery. <sup>10</sup>His disciples say unto him, If the case of the man be so with his wife, it is not good to marry. <sup>11</sup>But he said unto them, All men cannot receive this saying, save they to whom it is given. <sup>12</sup>For there are some eunuchs, which were so born from their mother's womb: and there are some eunuchs, which were made eunuchs of men: and there be eunuchs, which have made themselves eunuchs for the kingdom of heaven's sake.

### تعلیم عیسی درباره ازدواج و طلاق

<sup>1</sup>و چون عیسی این سخنان را به اتمام رسانید، از جلیل روانه شده، به حدود یهودیه از آن طرف اُردُن آمد. <sup>2</sup>و گروهی بسیار از عقب او آمدند و آنها را در آنجا شفا بخشید.

<sup>3</sup>پس فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند: آیا جایز است مرد، زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟ <sup>4</sup>او در جواب ایشان گفت: مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید، <sup>5</sup>و گفت: از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش پیوندد و هر دو یک تن خواهند شد؟ <sup>6</sup>بنابراین بعد از آن دو نیستند، بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد. <sup>7</sup>به وی گفتند: پس از بهر چه موسی امر فرمود که زن را طلاقنامه دهند و جدا کنند؟ <sup>8</sup>ایشان را گفت: موسی به سبب سنگدلی شما، شما را اجازت داد که زن خود را طلاق دهید. لیکن از ابتدا چنین نبود. <sup>9</sup>و به شما می‌گویم: هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است. و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کند. <sup>10</sup>شاگردانش بدو گفتند: اگر حکم شوهر با زن چنین باشد، نکاح نکردن بهتر است. <sup>11</sup>ایشان را گفت: تمامی خلق این کلام را نمی‌پذیرند، مگر به کسانی که عطا شده است. <sup>12</sup>زیرا که خصیها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و خصیها هستند که از مرد خصی شده‌اند و خصیها می‌باشند که بجهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد.

### عیسی فرزندان را برکت میدهد

<sup>13</sup>آنگاه چند بچه کوچک را نزد او آوردند تا دستهای خود را بر ایشان نهاده، دعا کند. اما شاگردان، ایشان را نهیب دادند. <sup>14</sup>عیسی گفت: بچه‌های کوچک را بگذارید و از آمدن نزد من، ایشان را منع نکنید، زیرا ملکوت آسمان از مثل اینها است. <sup>15</sup>و دستهای خود را بر ایشان گذارده از آن جا روانه شد.

### جوان دولتمند و ثروت

<sup>16</sup>آنگاه شخصی آمده، وی را گفت: ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟ <sup>17</sup>وی را گفت: از چه سبب مرا نیکو گفتی و حالآنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط؟ لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی،

He that is able to receive it, let him receive it.<sup>13</sup> Then were there brought unto him little children, that he should put his hands on them, and pray: and the disciples rebuked them.<sup>14</sup> But Jesus said, Suffer little children, and forbid them not, to come unto me: for of such is the kingdom of heaven.<sup>15</sup> And he laid his hands on them, and departed thence.<sup>16</sup> And, behold, one came and said unto him, Good Master, what good thing shall I do, that I may have eternal life?<sup>17</sup> And he said unto him, Why callest thou me good? there is none good but one, that is, God: but if thou wilt enter into life, keep the commandments.<sup>18</sup> He saith unto him, Which? Jesus said, Thou shalt do no murder, Thou shalt not commit adultery, Thou shalt not steal, Thou shalt not bear false witness,<sup>19</sup> Honour thy father and thy mother: and, Thou shalt love thy neighbour as thyself.<sup>20</sup> The young man saith unto him, All these things have I kept from my youth up: what lack I yet?<sup>21</sup> Jesus said unto him, If thou wilt be perfect, go and sell that thou hast, and give to the poor, and thou shalt have treasure in heaven: and come and follow me.<sup>22</sup> But when the young man heard that saying, he went away sorrowful: for he had great possessions.<sup>23</sup> Then said Jesus unto his disciples, Verily I say unto you, That a rich man shall hardly enter into the kingdom of heaven.<sup>24</sup> And again I say unto you, It is easier for a camel to go through the eye of a needle, than for a rich man to enter into the kingdom of God.<sup>25</sup> When his disciples heard it, they were exceedingly amazed, saying, Who then can be saved?<sup>26</sup> But Jesus beheld them, and said unto them, With

احکام را نگاه دار.<sup>18</sup> بدو گفت: کدام احکام؟ عیسی گفت: قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،<sup>19</sup> و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.<sup>20</sup> جوان وی را گفت: همه اینها را از طفولیت نگاه داشته‌ام. دیگر مرا چه ناقص است؟<sup>21</sup> عیسی بدو گفت: اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما.<sup>22</sup> چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال بسیار داشت.<sup>23</sup> عیسی به شاگردان خود گفت: هرآینه به شما می‌گویم که شخص دولتمند به ملکوت آسمان به دشواری داخل می‌شود.<sup>24</sup> و باز شما را می‌گویم که: گذشتن شتر از سوراخ سوزن، آسانتر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.<sup>25</sup> شاگردان چون شنیدند، بغایت متحیر گشته، گفتند: پس که می‌تواند نجات یابد؟<sup>26</sup> عیسی متوجه ایشان شده، گفت: نزد انسان این محال است لیکن نزد خدا همه چیز ممکن است.

### متابعت عیسی و مجازات

<sup>27</sup> آنگاه پطرس در جواب گفت: اینک، ما همه چیزها را ترک کرده، تو را متابعت می‌کنیم. پس ما را چه خواهد بود؟<sup>28</sup> عیسی ایشان را گفت: هرآینه به شما می‌گویم شما که مرا متابعت نموده‌اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داور خواهید نمود.<sup>29</sup> و هر که بخاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.<sup>30</sup> لیکن بسا اوّلین که آخرین می‌گردند و آخرین، اوّلین.

men this is impossible; but with God all things are possible.<sup>27</sup> Then answered Peter and said unto him, Behold, we have forsaken all, and followed thee; what shall we have therefore?<sup>28</sup> And Jesus said unto them, Verily I say unto you, That ye which have followed me, in the regeneration when the Son of man shall sit in the throne of his glory, ye also shall sit upon twelve thrones, judging the twelve tribes of Israel.<sup>29</sup> And every one that hath forsaken houses, or brethren, or sisters, or father, or mother, or wife, or children, or lands, for my name's sake, shall receive an hundredfold, and shall inherit everlasting life.<sup>30</sup> But many that are first shall be last; and the last shall be first.